



# اسلحه و سیاست

## نگاهی به جایگاه نظامی گری در سیاست خارجی آمریکا



"دولت باراک اوباما قصد دارد سیاست خارجی واشنگتن را از نظامی گری به دیپلماسی تغییر دهد." این مهمترین پیام سخنرانی چاک هیگل وزیر دفاع آمریکادر کنفرانس امنیتی مونیخ بود. هیگل در این نشست تصریح کرد: "هم اکنون دولت آمریکا قصد دارد تا آنجا که ممکن است، از ورود به عرصه های نظامی در خارج از ایالات متحده خودداری کند. دقیقاً یک هفته پیش از این سخنان اوباما رئیس جمهوری آمریکادر سخنان سالانه اش در کنگره اعلام کرده بود: "آمریکانمی تواند برای همیشه از نیروی نظامی در قبال تحولات بین المللی استفاده کند" وی وعده داد که از این پس نظامیان آمریکایی برای شرکت در نزاع های بین المللی به خارج از مرزهای این کشور اعزام نشوند. گفتنی است طی چند سال اخیر دولت آمریکا تلاش زیادی کرده است تا به جنگ هایی که در آن درگیر است پایان دهد، از این رو به حضور نظامی خود در عراق پایان داد و اکنون نیز تلاش بسیاری به عمل آورده تا به حضور سربازانش در افغانستان نیز پایان دهد. کارشناسان و تحلیلگران مسائل سیاسی و نظامی می افزایند: دولت آمریکادر راستای این خط مشی جدید نیز همواره و طی چند سال اخیر به شدت از درگیری نظامی در مسائل لیبی و سوریه خودداری و اجتناب کرده است. در طول یک دهه گذشته دولت آمریکا همواره تلاش داشته در مسائل مختلف بین المللی با استفاده از تهدید نظامی و قوه قهریه حاضر شود، اما آن چه این روزها قابل مشاهده است حضور گسترده دیپلماتیک آمریکادر عرصه های بین المللی و دوری از سیاست نظامی گری گذشته است. با این حال بسیاری از کارشناسان نیز سخنان چاک هیگل و مواضع مقامات آمریکایی در تایید این تغییر نگرش دولت اوباما را غیر واقعی دانسته اند چرا که تضاد بسیاری بین این سخنان و آن چه عملاً در صحنه های بین المللی شاهد آن هستیم قابل رویت است. به عنوان مثال میزان بودجه اختصاص یافته به وزارت خارجه آمریکا و سیاست خارجی این کشور به مراتب از بودجه وزارت دفاع آمریکا کمتر است، مساله دیگر نیز تلاش آمریکا برای بازگشت نظامی به عراق و تلاش برای ماندن نظامیان در افغانستان است که با این سیاست ها عملاً در تضاد است. به هر حال تحولات اخیر پرسش های فراوانی را در باره رابطه سیاست خارجی آمریکا و نظامی گری به میان آورده است. اصلی ترین پرسش این است که چگونه این رابطه قابل تجزیه و تحلیل است و چگونه در دوران مختلف این رابطه دگرگون می شود؟ بیا تمرکز بر دوره اوباما و درگیری های نظامی آمریکا در دوران او، در این گفتار با بهره

گیری از سه مفهوم پایداری عنصر نظامی گری در سیاست خارجی آمریکا؛ گفتمان چگونگی استفاده از قدرت نظامی در سیاست خارجی آمریکا و سرانجام ویژگی های خاص تجربه اوباما، به تجزیه و تحلیل این موضوع خواهیم پرداخت.

### دیپلماسی زور؛ سیاست خارجی دائمی آمریکا

به طور کلی ارتش و نیروهای مسلح به عنوان بخشی پایداری و دائمی از قدرت نظامی آمریکا و غرب به طور عام، پیوسته نقش تعیین کننده ای در مجموعه سیاست های خارجی و امنیتی داشته اند. دوايت آیزنهاور، رئیس جمهور اسبق آمریکا سال ها قبل در خصوص صنایع رو به رشد نظامی و جنگ همیشگی این چنین هشدار داده بود: «ما باید مراقب آن باشیم که صنایع نظامی، خواسته یا ناخواسته، به نفوذ افسار گسیخته دست پیدا نکنند». راس بیکر، نویسنده کتاب «خاندان بوش، خاندان اسرارآمیز»، سیاست خارجی آمریکا را مجموعه ای توصیف می کند که به وسیله «نظامی گری، نفت و رسانه» شکل گرفته و همواره نیازمند وجود حس و حشمت در میان مردم است. این سیستم همواره به اذهان مردم چنین تلقین می کند که جنگ لازم و اجتناب ناپذیر است. سخنان راس بیکر تکرار نظریه سی رایت میلز جامعه شناس آمریکایی است که ایالات متحده را در چنبره صاحبان صنایع، نظامیان و سیاستمداران تعریف می کند. به هر حال این واقعیتی است که بر آمدن آمریکا به عنوان ابر قدرت جهانی بعد از جنگ جهانی دوم با تکیه بر قدرت نظامی بود. در آن زمان تنها دو قدرت در میان قدرت های بزرگ نسبت به بقیه در وضع بهتری قرار داشتند؛ یکی ایالات متحده و دیگری اتحاد جماهیر شوروی. البته وضعیت نظامی این دو هم با یکدیگر تفاوت داشت. اما بر آمدن هر دو به عنوان ابر قدرت جهانی در پر تو قدرت نظامی آن ها بود. قدرت نظامی پیوستگی حضور خود را در معادلات سیاسی بین المللی و منطقه ای آمریکا در دوران بعد از جنگ جهانی دوم حفظ کرده و در جنگ سرد یکی از عوامل تعیین کننده توازن قوا میان شرق و غرب، نیروی نظامی آمریکا بود. بعد از پایان جنگ سرد، چار چوب جدیدی از نظر مناسبات میان قدرت های بزرگ در دنیا به وجود آمد و نظام دو قطبی دگرگون شد، اما حساسیت و اهمیت قدرت نظامی برای آمریکا به هیچ وجه کم نشد. بلکه بلافاصله بعد از پایان جنگ سرد این نکته مورد تاکید قرار گرفت که آمریکایک ابر قدرت جهانی است و معادل و برابری از نظر قدرت نظامی ندارد. هر چند که این موضوع یعنی تک قدرت بودن آمریکا در جهان به چالش کشیده شد و آمریکا نتوانست نظام تک

هژمون را در دنیا برقرار کند اما در دوران بعد از جنگ سرد در ده ها عملیات نظامی شرکت کرد. در این زمینه می توان به مقدمه کتاب اخیر جیمی کارتر، رئیس جمهور اسبق آمریکا اشاره کرد که در آن به ارزش های آمریکایی می پردازد و به این نکته اشاره می کند که بعد از آن که او کاخ سفید را ترک کرده، یعنی از ۱۹۸۰ تا کنون، آمریکادر بیش از پنجاه عملیات نظامی در خارج از خاک خود شرکت کرده که برخی از آن ها عملیات گسترده ای چون عملیات نظامی در بالکان و برخی دیگر عملیات های نظامی محدود مانند بمباران مواضع گروه های مخالف آمریکا در سومالی بوده است.

### اقتصاد سیاسی نظامی گری آمریکا

دکتر اسماعیل حسین زاده، استاد اقتصاد دانشگاه «دریک» در ایالت آیوای آمریکا در کتاب خود «اقتصاد سیاسی نظامی گری آمریکا» مهمترین محرک نظامی گری در آمریکا را اشتباهی سیری ناپذیر مجتمع های صنعتی - نظامی برای بلعیدن هر چه بیشتر بودجه فدرال معرفی می کند. وی می نویسد: سود فروش سلاح و تجهیزات به سایر کشورهای جهان یکی از اهداف صنعت جنگ سازی آمریکا است اما این سود تنها بخش کوچکی از منافع مجتمع های صنعتی - نظامی ایالات متحده را تشکیل می دهد که از اختصاص بودجه فدرال به آنها حاصل می شود بدین ترتیب مجتمع های مذکور به جای دیگر خواری امپریالیسم کلاسیک به نوعی خود خواری رسیده اند که نگارنده کتاب آن را امپریالیسم انگلی ارتش سالارانه می خواند. به عنوان نمونه در سال ۲۰۰۵ مجتمع های صنعتی - نظامی چیزی حدود ۴۰ درصد بودجه فدرال آمریکا را به خود اختصاص داده اند که به رقمی بیش از یک تریلیون دلار می رسد و در حال حاضر نیز این رقم شاید کمی کمتر از همان مبلغ و در عین حال باز هم بسیار بیشتر از سود فروش سلاح به کشورهای خارجی است. تاجایی که به صاحبان این صنایع مربوط می شود، دامن زدن به درگیری های بین المللی یا جعل «تهدیدهای برون مرزی نسبت به امنیت ملی» سخت منفعت زاست، زیرا از یک سو بازار های فروش آنان را گسترش می دهد و سودشان را بالایی برد و از سوی دیگر سهمی را که از بودجه فدرال آمریکانصیبشان می شود، افزایش می دهد. «اما مجتمع های صنعتی - نظامی تنها بالایی در میان سیاستمداران کار خود را پیش نمی برد. صاحبان صنعت جنگ «برای رشد و پرورش نظامی گری در طرز فکر مردم آمریکا جلب پشتیبانی و همکاری سازمان های نظامیان سابق، انجمن ها و اتاق های